



حسین تربتی

علم فاطمه علیها السلام

می فرماید: «سپس علم اسما (علم) اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گویند، اسامی اینها را به من خبر دهید. عرض کردند: تو منزهی! چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی دانیم. تو دانا و حکیمی.»^۱ آری علم آدم، علم مکتبی و مدرسه‌ای نبود؛ چرا که در آن زمان مکتب و مدرسه‌ای وجود نداشت؛

۱. محمدحسین غروی اصفهانی، ملقب به

مفتقر.

۲. بقره/ ۳۱-۳۲.

ناطقه‌ی مرا مگر روح قدس مدد کند تا که ثنای حضرت سیده نساء کند نفخه قدس بوی او، جذبه انس خوی او منطق او خبر ز «لا ینطق عن هوی» کند «مفتقرا» متاب رواز در او به هیچ سو زان که مس وجود را فضه او طلا کند^۱ علم و دانش انسانهای معمولی و غیر معصوم، اکتسابی است که بر اثر تعلّم و رفتن به مکتب، مدرسه، دانشگاه و یا حوزه به دست می آید؛ ولی علم انبیا، امامان و اولیای الهی برگرفته از علم الهی و به اصطلاح «علم لدنی» است.

قرآن درباره حضرت آدم علیه السلام

سلمان می گوید: عمار به من گفت: آیا از امر تعجب آوری برای تو خبر دهم! گفتم: بگو. عمار گفت: [روزی] همراه علی علیه السلام بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدیم. هنگامی که نگاه زهرا علیها السلام به علی علیه السلام افتاد، گفت: «أَذُنُ لِأَحَدِكُمْ بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَاتِبٌ وَبِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ، [علی جان!] نزدیک بیا تا تو را از آنچه که در گذشته بوده [و اتفاق افتاده] و آنچه در حال به وقوع پیوستن است و آنچه که به وقوع نپیوسته [و در آینده رخ خواهد داد] تا روز قیامت؛ زمانی که محشر برپا می شود، خبر دهم.»

دیدم امیر مؤمنان علیه السلام به عقب برگشت و نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابا الحسن! نزدیک بیا. علی علیه السلام نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. بعد از اینکه آرام گرفت؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: من خبر دهم یا خود خبر می دهی؟ عرض کرد: خبر دادن از شما زیباتر است. آنگاه حضرت جریانی را که بر علی

بلکه برگرفته از علم خداوند و تعلیم داده شده توسط ذات الهی بود.

قرآن کریم در مورد حضرت خضر علیه السلام می فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۱ «علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.» اصطلاح «علم لَدُنِّي» نیز برگرفته از همین آیه مبارکه است.

آنچه پیش رو دارید، گزارش مختصری است از علم لَدُنِّي فاطمه زهرا علیها السلام، تا در پرتو آن، شأن و مقام علمی آن بانو تبیین گردد. در این نوشتار در صدد بیان این نکته هستیم که تمام رفتار و حرکات آن بانوی مطهر، از سر آگاهی و برگرفته از علم الهی همراه با عصمت بوده و مقایسه آن بانوی بزرگوار و بی همتا با زنان دیگر، کاری ناروا و ناستودنی است.

علم سرشار

علمی که به ذات الهی وصل باشد و از ذات لایزال او به کسی افاضه شده باشد، زمان و مکان نمی شناسد و محدود به گذشته و حال نخواهد بود؛ بلکه تمام زمانها را در می نوردد و تا برپایی قیامت پیش می رود. علم حضرت فاطمه علیها السلام از این سنخ است.

حضرت صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَلَمْ تَكُنْ نَسِيَةً إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهَيِّطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ...»^۲ فاطمه، دختر رسول خدا، محدثه بود؛ نه پیامبر. فاطمه را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او همانند مریم دختر عمران گفتگو داشتند.

امام صادق علیه السلام سخن خود را چنین ادامه می دهد که «شبی حضرت صدیقه به فرشتگان هم کلام خویش فرمود: آیا آن زن که بر جمیع زنان عالم برتری دارد، مریم دختر عمران نیست؟ جواب دادند: نه؛ زیرا مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود؛ ولی خدای متعال تو را سیده زنهای عالم خودت و هم عالم زمان مریم و اولین و آخرین قرار داده است

گذشته بود، شرح داد. علی علیه السلام عرض کرد: آیا نور فاطمه از نور ما می باشد؟ حضرت فرمود: مگر نمی دانی؟ آنگاه علی سجده شکر انجام داد.

سپس حضرت علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام آمد و او خطاب به علی علیه السلام گفت: «كَانَتْ رَجَعْتَ إِلَى أَبِي عِبْرَةَ فَأَخْبَرْتَهُ بِمَا قُلْتَهُ لَكَ؛ گویا نزد پدرم رفتی. پس آنچه را گفته بودم، به او خبر دادی؟» علی علیه السلام فرمود: چنین است ای فاطمه! «فَقَالَتْ: إِعْلَمُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ نُورِي... وَأَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا لَمْ يَكُنْ يَا أَبَا الْحَسَنِ الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى؛ آنگاه فاطمه علیها السلام فرمود: بدان ای ابا الحسن! خداوند نور من را آفرید... من از همان نورم، گذشته و آینده و حال را می دانم. ای ابا الحسن! مؤمن با نور خدای تعالی نظر می کند (و از امور پنهانی آگاهی می یابد).»

فاطمه محدثه

فاطمه زهرا علیها السلام نه تنها در آغاز با علم لدنی از مسائل آگاه بود، بلکه در طول حیاتش ملائکه با او حرف می زدند و او را از مسائل آینده آگاه می کردند.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ هـ ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۱؛ ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۷۰.

۲. بحار الانوار، همان، ج ۱۴، ص ۲۰۶؛ ج ۴۳، ص ۷۸.

(یعنی تو را بانوی بانوان جهان قرار داد).»

فهمید. از آن حضرت پنج خطبه در منابع تاریخی و کتب روایی نقل شده است که هر یک دریایی از علم و دانش و معرفت است. ما در این بخش فقط عناوین اصلی این خطبه‌ها را نام می‌بریم و بحث تفصیلی آن را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم.

خطبه اول^۳

اولین خطبه آن حضرت علیه السلام سخنرانی ایشان است که بعد از غصب خلافت و غصب فدک ایراد شد. در این خطبه، به عناوین ذیل اشاره شده است:

۱. ضرورت شکر و سپاس الهی؛
۲. لزوم خداشناسی و بیان گوشه‌هایی از اوصاف الهی؛
۳. فلسفه بعثت پیامبر خاتم صلوات الله علیه؛
۴. فوائد و ره‌آورد بعثت پیامبر اکرم صلوات الله علیه؛
۵. ویژگیهای قرآن و اهلیت صلوات الله علیه؛
۶. بیان فلسفه فروع و امامت؛
۷. مردم در عصر جاهلیت؛
۸. ویژگیها و نقش امام علی علیه السلام در راه

همچنین فرمود که فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلوات الله علیه ۷۵ روز بیشتر زنده نماند و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود. به این جهت، جبرئیل پی‌درپی به حضورش می‌رسید و او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت. آن حضرت در ادامه فرمود:

«وَيُخْبِرُهَا عَنْ آبِهَا وَمَكَانَهُ، وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي دُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عليها السلام؛^۱ و او را از پدرش و مقام و منزلتش [در بهشت] و نیز به حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه‌اش وارد خواهد گشت، خبر می‌داد. علی علیه السلام نیز آنچه را جبرئیل گزارش می‌داد، می‌نوشت. پس این [مجموعه] همان مصحف [معروف] فاطمه زهرا است.»

در زیارتنامه حضرت فاطمه علیها السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ؛^۲ سلام بر تو ای محدثه دانا.»

خطبه‌های عزّوا بلیغ

علم الهی و وسیع حضرت زهرا علیها السلام را از خطبه‌های او نیز می‌توان

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۴۶-۵۴۵، ح ۶۳، ج ۲۶، ص ۴۱؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
 ۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۵.
 ۳. همان، ج ۴۳، ص ۱۵۸؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۰؛ معانی الاخبار، ص ۳۵۴.

«من ملتى را مثل شما نمى شناسم که این گونه عهدشکن و بدبخت خورد باشند. جنازه رسول خدا را بر روی دست گذاشته و رها کردید، و عهد و پیمانهای میانتان را بریدید و فراموش نمودید، و ولایت و رهبری امام علی علیه السلام و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلم ما را باز نگرداندید. گویا از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند به خدا که رسول گرامی اسلام در آن روز ولایت و رهبری علی علیه السلام را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان را قطع نماید؛ ولی شما رشته‌های پیوند معنوی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و خودتان را پاره کردید. این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد.»^۱

خطبه چهارم

این خطبه در نکوهش پیمان شکنان و مردمان بی تفاوت و

پیشرفت اسلام؛ ۹. نکوهش بی تفاوتی‌های دیروز و تشنگان قدرت امروز؛ ۱۰. علل انحراف مردم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۱۱. اثبات ارث با براهین محکم قرآنی؛ ۱۲. نکوهش از سستی و بی تفاوتی انصار؛ ۱۳. دادخواهی از مسلمین؛ ۱۴. علل سستی مردم؛ ۱۵. علل روی گردانی مردم از قرآن؛ ۱۶. علل سیر ارتجاعی و عقب‌گرد مردم.

خطبه دوم

این خطبه، به سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار اختصاص دارد و شامل نکات مهم و اساسی است. مهم‌ترین عناوین آن از این قرار است:

۱. نکوهش مردم از سیر ارتجاعی و عقب‌گردی؛ ۲. علل مظلومیت علی علیه السلام و غصب خلافت او؛ ۳. نکوهش از انحراف مهاجران و انصار؛ ۴. هشدار از آینده‌ای خونین و فتنه‌های خطرناک.

خطبه سوم

آنگاه که کودتاگران تصمیم گرفتند به خانه ولایت هجوم برند، حضرت در خطبه مختصری فرمودند:

۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۵؛ الاحتجاج، طبرسی، ص ۵۱، ح ۸۰؛ الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۲؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۹۶.

به‌خوبی می‌دانست؛ چنانکه در موارد متعددی از امور غیبی و حوادث تلخ آینده خبر داده است که در ادامه به نمونه‌هایی چند اشاره می‌شود:

۱. خبر از مصائب آینده

هنگام وفات جانسوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی سخنان پدر را شنید که فرمود: «أَبْنِي لِدَرْتِي»^۱ برای فرزندانم گریه می‌کنم.، حضرت زهرا علیها السلام به شدت گریست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم گریه مکن، آرام باش!

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «لَسْتُ أَبْكِي لِمَا يُضْنَعُ بِي مِنْ بَعْدِكَ وَلَكِنِّي لِفِرَاقِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»^۲ [پدرم!] برای آنچه بعد از تو بر من روا می‌دارند، گریه نمی‌کنم؛ بلکه از فراق و دوری تو ای رسول خدا می‌گریم.

در این جمله حضرت به صورت سر بسته به تمام مصائبی که بعد از

ساکت ایراد شده است. در بخشی از آن می‌خوانیم: «... و چه بد نظریه و رأیی دادید که حق را از اهلش گرفتید و به دست ناهلان دادید، و چه بد گناه و ستمی را که کردید، گران خواهید یافت و در آن روز که پرده از کار شما برداشته شود، سرانجامش را سخت و دشوار خواهید دید...»^۱

خطبه پنجم

خطبه پنجم در مقابل مهاجمان بیت وحی ایراد شده است که در بخشی از آن آمده است:

«أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ مَاذَا تَقُولُونَ؟ وَأَيُّ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ يَا عَمْرُؤُا مَا تَتَّقِي اللَّهَ؟ تَدْخُلُ عَلَيَّ بَيْتِي؟...^۲ شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می‌گویید و چه می‌خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا

نداری که داخل خانه من می‌شوی؟...»^۱ این خطبه‌ها و همین‌طور روایات فراوانی که از حضرت نقل شده است،

همگی نشان‌دهنده آگاهی و دانش ژرف آن بانوی بی‌همتا است.

نمونه‌هایی از علم غیبی

بر اثر همین علم بی‌نهایت الهی است که حضرت حوادث آینده را

۱. احتجاج، طبرسی، ص ۱۰۶؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۴۷۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ارشاد دیلمی، ص ۱۷۶؛ الوافی، ج ۲، ص ۱۸۱.

۳. صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۹؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱؛ ج ۶، ص ۱۰؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، محمد دشتی، ص ۱۷۱.

اما کشته دشمنیها را در سرزمین عراق فراموش نکن. جدا می شوند در حالی که یتیمان صبح می کنند با حالت سرگردانی و در حالی که به خدا سوگند می خورند، آن روز جدایی است.»

۳. خبر از شهادت خویش

حضرت نسبت به شهادت خویش گزارشهای گوناگون و خبرهای لحظه به لحظه دارد.

الف. اولین میهمان پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَهْدَ إِلَيَّ وَحَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقًا بِهِ وَلَا بُدَّ مِنِّي فَاضْتِرٌّ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَارْضَ بِقَضَائِهِ»^۱ ای ابا الحسن! به راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله با من پیمان بسته و خبر داده است که من اول کسی خواهم بود که به آن حضرت می پیوندم و گریزی از آن نیست.

رحلت پدر بر او وارد می شود، اشاره نموده است؛ از آتش زدن در گرفته تا اهانت به شخص آن حضرت.

۲. خبر از شهادت امام حسین علیه السلام

سالها قبل از شهادت امام حسین علیه السلام حضرت زهرا به این مسئله در موارد متعددی اشاره نموده است، از جمله در اشعاری چنین فرمود:

أَمَسُوا جِبَاعاً وَهُمْ أَشْبَالِي

أَصْغَرُ هُمْ يَفْتَلُ فِي الْقِتَالِ

يَكْرَبُلَا يُسْقَتَلُ بِأَغْيَابِي

لِقَاتِلِيهِ الْوَيْلُ مَعَ وَيَالِي^۱

«فرزند نام دیشب را گرسنه به روز آوردند. کوچک ترین آنان [حسین] در میدان جنگ کشته می شود. در کربلا فرزندانم را با حيله و تزوير شهيد می کنند. نکبت و عذاب بر قاتلان شب باد.»

آن حضرت علیها السلام در لحظات آخر

عمرش خطاب به علی علیه السلام گفت:

إِنِّي وَأَبِي لَلْيَتَامَى وَلَا تَنْسِنِي

قَتِيلَ الْعِدَا بِطَافِ الْعِرَاقِ

فَارْقُوا أَصْبَحُوا يَتَامَى حَيَارَى

أَخْلَقُوا اللَّهَ فَهُوَ يَوْمُ الْفِرَاقِ^۲

«بر من و بر یتیمان [من] گریه کن؛

۱. امالی صدوق، ص ۲۵۸؛ کتاب عوالم،

بحرانی، ج ۱۱، ص ۵۸۸؛ فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۱۷۰.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۷۴-۱۷۸.

۳. صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۹؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱؛ ج ۶، ص ۱۰؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۷۱.

زهرائیه در لحظه‌های واپسین شهادت، دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و به طرف قبر رسول خدا شتافت. سپس بین قبر و منبر پیامبر ﷺ دو رکعت نماز خواند. پس از نماز، حسنین علیهما السلام را در آغوش خود فشرد و با آنها وداع نمود و فرمود: پدرتان علی علیهما السلام در حال نماز خواندن است، پیش پدر بمانید. آن‌گاه خود به سوی منزل حرکت کرد. «اسماء»، همسر جعفر طیار را صدا زد و فرمود: «لَا تُضَاقِدِينِي فَإِنِّي فِي هَذَا النَّبْتِ وَاضِعَةٌ جَنبِي سَاعَةً، فَإِذَا مَضَتْ سَاعَةٌ وَلَمْ أَخْرُجْ فَنَادِينِي فَإِن أَجَبْتِكَ فَادْخُلِي وَالْأَفْغَلَمِي أَنِّي أَلْحَقْتُ بِرَسُولِ اللَّهِ»^۱ [ای اسماء!] از من جدا مشو! به راستی من در این اتاق ساعتی استراحت می‌کنم. پس از گذشت ساعتی، اگر [از اتاق] خارج نشدم، مرا صدا بزن. اگر جوابت دادم، وارد شو؛ اما اگر پاسخی نشنیدی، بدان که به رسول خدا ﷺ پیوسته‌ام.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹، ح ۱۵؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۴۹۱.

۲. وسائل الشیعة، حرّ عاملی، ج ۲، ص ۳۱؛ کشف الغمّه، اربلی، ج ۲، ص ۶۲.

پس در برابر او امر [و فرمان و خواست] خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش.»

ب. خبر نزدیک شدن شهادت

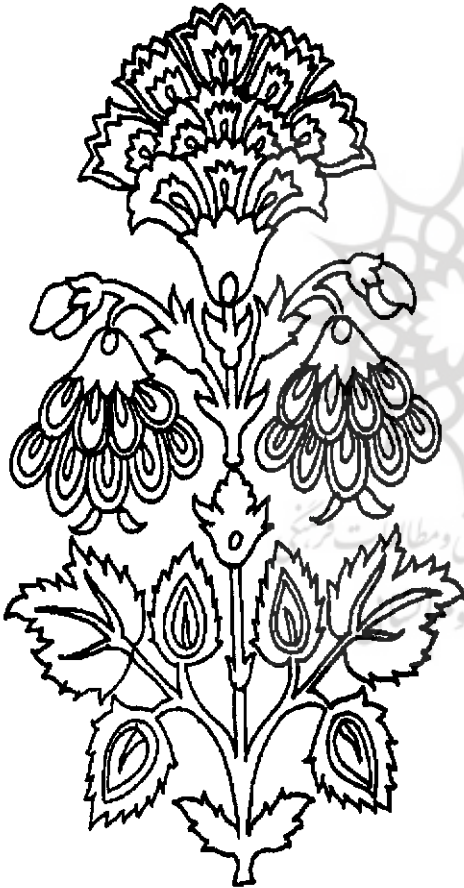
در ساعات آخر، این‌گونه علی علیهما السلام را از شهادت و مرگ خویش خبر داد: «يَا أَبَا الْحَسَنِ رَقَدْتُ السَّاعَةَ فَرَأَيْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي قَصْرِ مِنَ الدَّرِّ الْأَبْيَضِ فَلَمَّا رَأَيْتُ قَالَ ﷺ: «هَلُمِّي إِلَيَّ يَا بِنْتَةَ فَإِنِّي إِلَيْكَ مُشْتَاتِقٌ» فَقُلْتُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَشَدُّ شَوْقًا مِّنْكَ إِلَى لِقَائِكَ، فَقَالَ: «أَنْتِ اللَّيْلَةُ عِنْدِي» وَهُوَ الصَّادِقُ لِمَا وَعَدَ وَالْمَوْفِيُّ لِمَا عَاهَدَ»^۱

ای ابا الحسن! در همین ساعت به خواب رفتم. حبیبم رسول خدا را در قصری از مروارید سفید دیدم. پس زمانی که مرا دید، فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توام. پس جواب دادم: به خدا قسم اشتیاق من برای زیارت و ملاقات شما شدیدتر است. در این هنگام [پدرم] فرمود: «تو امشب در پیش من خواهی بود.» و او هر چه وعده دهد، راست است و به عهد خود وفا می‌کند.»

ج. لحظه شهادت

ابن عباس نقل می‌کند: حضرت

أَحَدٌ؛^۱ ای مادر! به راستی من در همین لحظه قبض روح می شوم [و به سوی پروردگارم خواهم رفت]. به درستی که از جانم فارغ شدم و غسل کرده‌ام [و بدنم را شستشو داده‌ام]. پس کسی لباس از تن من برنگیرد.»



تمام رفتار و حرکات آن بانوی مطهر، از سر آگاهی و برگرفته از علم الهی همراه با عصمت بوده و مقایسه آن بانوی بزرگوار و بی همتا با زنان دیگر، کاری ناروا و ناستودنی است

همچنین سلمی، امّ بنی رافع، نقل می‌کند: در لحظه‌های واپسین زندگانی حضرت زهرا علیها السلام در محضرش بودم. آبی برای غسل و شستشوی بدن خواست. فوراً آماده کردم. سپس فرمود: لباسهای تازه مرا بیاورید. لباسهای آن حضرت را آوردم. آنها را پوشید و وارد اتاق خود شد و در بستر استراحت رو به قبله قرار گرفت. آنگاه خطاب به من فرمود:

«يَا أُمَّةَ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ آلآنَ إِنِّي قَدْ فَرَعْتُ مِنْ نَفْسِي وَإِنِّي قَدْ اغْتَسَلْتُ فَلَا يَكْسِفُنِي

۱. بحار الانوار، همان، ج ۴۳، ص ۱۸۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۶۴.